

**Extracting the Principles of the Qur'an-Based Humanities Based
on the Analysis of the Structural Meaning of the Divine
Creational Preordainment (*Qaḍā*)**

Masoumeh Ghanbarpour¹

Mohammad Etratdoust²

Abstract

Humanities deal with human ideas and thoughts, and its ultimate goal is his spiritual and mental development, which in this sense is related to the goal of the prophets and their teachings. The Qur'an, as a miracle of the Prophet of Islam (S.A.W.), has a fundamental effect on the Islamization of humanities, reforming the lifestyle of humans and elite society. One of the strategies for developing the Islamic humanities and achieving new knowledge is to identify and localize interdisciplinary research methods and refine or combine them to contemplate and understand religious texts in a multifaceted way and efficiently. By using interdisciplinary research methods, it is possible to discover and identify verses related to the newly-emerged queries and provide logical and appropriate answers to new doubts of each era. The issue of creational preordainment and its relationship with Divine predestination is one of the challenging topics among Islamic scholars, in such a way that proponents of predestination always seek assistance from them to prove their theory, while in contrast another group tries to interpret the verses of creational preordainment in the Holy Qur'an. In this article, an attempt has been made with an interdisciplinary approach and using the research methods of "structural semantics" and "qualitative content analysis", to first identify the semantic network of the concept of "creational preordainment" in the Holy Qur'an, and then to extract its fundamental components by qualitatively analyzing their contents. The results of the research show that, firstly, the verses of the creational preordainment are stated with the aim of explaining the sovereignty and absolute power of God, secondly, its main themes are focused on the issue of life and death of creatures, and thirdly, this concept cannot express divine predestination in the matter of guiding and misguiding humans.

Keywords: The Holy Qur'an, creational preordainment, Divine predestination, structural semantics, qualitative content analysis.

1. (Corresponding Author), Assistant Professor, Department of Qur'anic Sciences, University of Sciences and Knowledge of the Holy, Khoy, Iran.

2. Associate Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran.

استخراج مبانی علوم انسانی قرآن بنیان مبتنی بر تحلیل معنای ساختاری قضای تکوینی الهی*

معصومه قنبر پور^۱

محمد عترت دوست^۲

چکیده:

علوم انسانی با اندیشه و فکر انسان سروکار دارد و هدف غایی آن، تکامل معنوی و روحی اوست که از این نظر، با هدف انبیا و تعالیم آنها در ارتباط است. قرآن به عنوان معجزه پیامبر اسلام ﷺ، در اسلامی سازی علوم انسانی، اصلاح سبک زندگی انسان‌ها و جامعه نخبگانی اثر بنیادینی دارد. از راهکارهای ایجاد تحول در علوم انسانی - اسلامی و دستیابی به دانش‌های جدید، شناسایی و بومی‌سازی روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای و تنقیح یا ترکیب آنها جهت تدبر و فهم چندجانبه نصوص دینی و کارآمد کردن آنهاست. با استفاده از روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای می‌توان به کشف و شناسایی آیات مرتبط با موضوعات مستحدثه پرداخت و پاسخ‌های منطقی و مناسب به شبهات جدید هر عصر ارائه نمود. مسأله قضای تکوینی و ارتباط آن با جبر الهی، یکی از موضوعات چالشی میان اندیشمندان علوم اسلامی است؛ به گونه‌ای که همواره طرفداران جبر برای اثبات نظریه خویش به آنها استمداد جسته و در مقابل، گروه دیگر سعی در تأویل آیات قضای تکوینی در قرآن کریم دارند. در این مقاله تلاش شده با رویکرد میان‌رشته‌ای و با استفاده از روش‌های تحقیق «معناشناسی ساختاری» و «تحلیل محتوای کیفی»، در ابتدا شبکه معنایی مفهوم «قضای تکوینی» در قرآن کریم شناسایی شده، سپس با تحلیل کیفی مضامین آنها، مؤلفه‌های بنیادین آن را استخراج نماییم. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اولاً آیات قضای تکوینی با هدف تبیین مالکیت و قدرت مطلق خداوند بیان شده‌اند، ثانیاً مضامین اصلی آن بر مبحث حیات و ممات مخلوقات متمرکز گشته‌اند، ثالثاً این مفهوم نمی‌تواند بیانگر جبر الهی در امر هدایت و ضلالت انسان‌ها باشد.

کلیدواژه‌ها:

قرآن کریم، قضای تکوینی، جبر الهی، معناشناسی ساختاری، تحلیل محتوای کیفی.



* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۸، تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۱/۱۴.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2024.68375.3938

۱- استادیار گروه علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، خوی، ایران (نویسنده مسئول)
ghanbarpour@quran.ac.ir

۲- دانشیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران
etratdoost@sru.ac.ir

مقدمه

علوم انسانی به دسته‌ای از علوم اطلاق می‌شود که به مسائلی چون جامعه، فرهنگ، زبان، کنش انسانی، روان و اندیشه افراد توجه دارد و نیز به هر علمی که درباره حیات معنوی یا روانی انسان و فراورده‌های فکری و معنوی او بحث کند، علم انسانی گفته می‌شود. (رجایی، ۱۳۸۹: ۲۳۱) از نظر علامه مصباح یزدی، غایت علوم انسانی، تکامل معنوی و روحی انسان است که از این جهت، با هدف انبیا و تعالیم آنها ارتباط پیدا می‌کند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۱: ۱۹۷) اسلامی شدن علوم انسانی از سه جهت ضروری است: یکی ارتباط این علوم با اسلام در مسائل کاربردی زندگی روزمره انسان‌ها همچون مسائل روان‌شناسی، علوم تربیتی و مسائل خانوادگی، دوم مسائل کاربردی در سطح نخبگانی که در نهادهای دولتی یا شبه دولتی بوده و در تصمیم‌گیری‌ها نقش دارند، مورد سوم مسائل بنیادی علوم انسانی است که به‌منزله ریشه علوم کاربردی هستند که اگر خراب شوند، به‌طور طبیعی مسائل کاربردی نیز فاسد خواهند شد. (مصباح یزدی، سخنرانی، ۱۳۸۹/۴/۴)

تحقیقات متعدد اندیشمندان اسلامی نشان می‌دهد که قرآن کریم مباحثی در حوزه علوم انسانی مطرح می‌کند که بدیع و ابتکاری بوده و می‌تواند به‌عنوان نظریه‌های جدید در تحول علوم انسانی مطرح شود. بی‌شک توجه به این نظریه‌ها می‌تواند موضوع تحقیق و پژوهش قرار گرفته و چهره علوم انسانی به سمت اسلامی شدن را دگرگون نماید. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۸: ۱۹۹/۵) در قرآن کریم بر این مطلب اشاره شده که ریشه و اساس همه علوم مورد نیاز انسان در آن وجود دارد: «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» (انعام: ۵۹). از آنجا که علوم، به‌ویژه علوم انسانی معاصر در دل فرهنگ غرب رشد کرده است، مبانی و اهداف فرهنگ غرب مثل اومانیسیم و سکولاریسم در علوم انسانی معاصر عجین شده‌اند که از جمله اهداف آن، لذت‌گرایی و سودگرایی حداکثری محسوب می‌شود. بدیهی است که این مسأله موجب بحران‌های اساسی در وجود انسان‌ها و جامعه انسانی شده و چالش‌آفرین است.

یکی از دغدغه‌های مقام معظم رهبری در دهه‌های اخیر نیز لزوم بازنگری در مبانی علوم انسانی و پایه‌گذاری علوم انسانی قرآن‌بنیان بوده که علوم انسانی مستخرج از غرب را متعارض با مبانی قرآنی و مبتنی بر نگاه مادی و ترجمه‌شده از متون غربی می‌داند. (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۷/۲۸)



مفهوم «قضای تکوینی» و ارتباط آن با مقوله‌هایی همچون جبر و اختیار و آزادی اراده انسانی، یکی از مسائل چالشی تاریخ اندیشه بشر بوده که از گذشته با خوانش‌های متعددی توسط معتزلیان، اشاعره و امامیه بیان شده و امروزه با فرضیه «جبرگرایی» (Determinism) مطرح می‌شود. طبق فرضیه دترمینیسم، زمانی که برای وقوع یک واقعه، شرایط لازم یا کافی وجود داشته باشد (مانند خدا، تقدیر، علل طبیعی و ...) که خارج از حوزه آزادی بشر هستند، وقوع آن واقعه جبری بوده و به انسان تحمیل شده است. در نتیجه فرد به این دلیل احساس ناخرسندی، حقارت و مهم‌تر از همه، احساس بی‌مسئولیتی و لاقیدی می‌کند. (علوی و شاقول، ۱۳۹۳: ۵۸) در گذشته نیز سوءبرداشت‌های مربوط به این مسأله باعث شده افرادی چون معاویه، یزید و ابن‌زبید، حکومت نامشروع خود را با قضای تکوینی الهی توجیه کنند!

بدیهی است که قرآن کریم عبارت‌های متعددی را درباره کلیات مربوط به قضای تکوینی یا اراده بلامنازع خداوند بیان داشته که شناسایی این عبارت‌های کلیدی، می‌تواند در فهم اندیشه قرآنی درباره قضای تکوینی الهی مؤثر واقع شود. اما پرسش تاریخی این است که چگونه می‌توان نظریه قرآن را در خصوص قضای تکوینی فهمید؟ و چگونه می‌توان مؤلفه‌های بنیادین آن را استخراج نمود؟ و کدام روش تحقیق جهت نیل به این مقصود مناسب‌تر است؟ به‌منظور پاسخگویی به پرسش‌های فوق، این پژوهش به‌دنبال آن است تا با بهره‌گیری از روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای در حوزه متن‌پژوهی، الگویی جهت استخراج بسیاری از موضوعات نوظهور از نصوص دینی ارائه کرده و به‌عنوان نمونه، یکی از این موضوعات را تحلیل و بررسی نماید.

برای شناسایی مبانی قرآنی علوم انسانی چند راه وجود دارد که یکی از آنها، تحلیل معنای ساختاری است که به استخراج معنای نهفته در متن با در نظر گرفتن شبکه روابط مفهومی می‌پردازد و با یافتن واژگان همنشین و جانشین، دایره فهم قرآن را گسترش می‌دهد که غیر از یافتن مفهوم اصلی کلمه، معانی فرعی مرتبط با کلمه مورد نظر را بررسی کرده و معنای کلی و انتزاعی جدیدی از متن یا کلمه ارائه می‌کند.

پیشینه تحقیق

اگرچه در رابطه با موضوع قضای تکوینی در قرآن کریم، کتب و مقالات متعددی نگاشته شده، اما هیچ‌کدام به پرسش‌های اصلی این تحقیق اشاره ندارند. به‌عنوان مثال، در

مقاله «رابطه تقدیر و قضای الهی با افعال انسان در مدرسه کلامی قم»، شمول تقدیر و قضای تکوینی الهی نسبت به افعال انسان بررسی شده؛ به گونه‌ای که افعال انسان، مخلوق تقدیری پروردگار و مخلوق تکوینی انسان معرفی گشته؛ یعنی خداوند حدود و اندازه افعال را رقم می‌زند، ولی این انسان است که آنها را در مرحله عمل به منصف ظهور می‌رساند. (نوروزی، ۱۳۹۵: ۱۶۴) در مقاله «بررسی تحلیلی نظر علامه طباطبایی درباره قضا و قدر با رویکرد تفسیری، روایی و فلسفی»، نویسنده به این نتیجه رسیده که تفاوت کاربرد قضا و قدر در روایات، تفاوتی اعتباری بوده و طبق آیات قرآن، تقدیر موجودات از خلق آنها جدا نیست و افعال بندگان به تقدیر خدا انجام می‌گیرد که مراد از تقدیر، خلق افعال توسط خداوند است، نه ایجاد آنها تا شائبه جبر پیش نیاید. (حسینی شاهرودی و دیگران: ۱۳۹۴: ۲۵)

این درحالی است که طبق فرضیه تحقیق حاضر، قضای تکوینی در بافت موقعیتی خاص بیان شده و شامل همه انسان‌ها نیست و ارائه دیدگاه در این مورد، مستلزم بررسی سایر آیات قرآن درباره ویژگی‌های انسان و جهان هستی است. فرضیه مطرح در این مقاله آن است که نمی‌توان صرفاً با استفاده از آیات مرتبط با قضای تکوینی خداوند، دیدگاه خداوند را در این زمینه استخراج نمود، بلکه این آیات در بافت جدلی مرتبط با مشرکان نازل شده‌اند و بر خالقیت و ربوبیت خدا تأکید نموده‌اند، بنابراین برای شناخت دیدگاه قرآن کریم درباره مسؤولیت و توانمندی انسان در تصمیم‌گیری، باید به مجموعه عبارات‌های قرآنی درباره خصوصیات انسان مراجعه نمود.

بنابراین آنچه این پژوهش را از دیگر پژوهش‌ها متمایز کرده و وجه نوآوری آن می‌باشد، اولاً پرداختن به یک موضوع چالشی در اندیشه بشری است که با مدیریت کنش رفتاری او در زندگی شخصی و رابطه‌های متقابل او در اجتماع ارتباط مستقیم دارد و در این خصوص، قابلیت قرآن کریم را در نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی تبیین می‌نماید. ثانیاً استفاده هوشمندانه از روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای برای کشف و استخراج موضوعات قرآنی است که در این زمینه، دو روش را مدنظر قرار داده است. ثالثاً استفاده تلفیقی از روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای جهت دستیابی به یک سامانه کامل و تصویرسازی از آنچه در لایه‌های عمیق و بطون آیات قرآن کریم در این خصوص نهفته شده، از دیگر ویژگی‌های خاص این پژوهش است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.



۱. روش تحقیق مناسب برای توسعه و استخراج علوم انسانی قرآن‌بنیان

یکی از مهم‌ترین اهداف این مقاله، تبیین و تئوریزه کردن روش‌های تحقیق مناسب و کارآمد برای کشف و شناسایی موضوعات پژوهشی در نصوص دینی، به‌ویژه قرآن کریم است. همان‌طور که اشاره شد، قرآن کریم مبانی لازم را برای زیست فردی و اجتماعی بیان کرده است. طبق این مبانی، فطرت انسانی همسو و هماهنگ با کل آفرینش بوده و همسو با تغییرات زمان، می‌تواند از طریق عمل اختیاری، سعادت دنیا و آخرتش را طبق دستورات الهی به بهترین نحو تضمین نماید.

برای یافتن علوم انسانی قرآن‌بنیان، چاره‌ای جز اجتهاد و تنقیح روش‌های جدید نیست. مباحث زبان‌شناسی قرآن یکی از روش‌هایی است که به هدف دستیابی به ساختار مدون و مناسب واژگان قرآن می‌پردازد. گستردگی و تداخل موضوعات در متن قرآن همراه با ساختار روایی متفاوت، فراوانی خرده‌متن‌ها یا پاره‌متن‌ها از یک سو، و روابط پیچیده درون‌متنی و بینامتنی از سوی دیگر، جزء چالش‌های جدی پژوهش‌های قرآنی است، از این رو از نظر نگارندگان این مقاله، برای بررسی مفاهیم قرآن، استفاده هم‌زمان از دو روش «معناشناسی ساختاری» و «تحلیل محتوای کیفی» ضروری است که هرکدام کارکردهای خاص خود را داشته و شامل فنون و تکنیک‌های متعددی می‌شوند. بر این اساس، در ادامه تلاش شده تا فرایند شکل‌گیری روش‌های تحقیق و ضرورت استفاده از روش‌های تحقیق جدید و متناسب با منبع تبیین شده، معرفی شوند.

لازم به ذکر است مؤلفان پیش از این، در چند پژوهش مختلف با استفاده از روش‌های مذکور، به تحلیل نصوص دینی و استخراج نظریه‌های قرآنی پرداخته و اعتبار و روایی روش‌های تحقیق را اثبات نموده‌اند. به‌عنوان مثال، در مقاله «تحلیل محتوای کیفی شبکه معنایی قدرت؛ تلاشی برای فهم الگوی قدرت نرم در قرآن کریم»، تلاش گردیده تا مفاهیم جانشین و همنشین قدرت نرم و مؤلفه‌های بنیادین آن جهت ترسیم الگوی کامل این نظریه استخراج شود. (عترت‌دوست، ۱۳۹۷: ۷۹-۱۱۰) در مقاله «مهم‌ترین مؤلفه‌های بنیادین ایجاد سلامتی در روابط انسانی از منظر قرآن کریم» نیز تلاش گردیده تا الگوی سلامت معنوی قرآن بیان معرفی گردد. (همو، ۱۳۹۹: ۱-۱۲)

۱-۱. روش «معناشناسی ساختاری»

«معناشناسی» (Semantics) بخشی از دانش زبان‌شناسی (Linguistics) است که معنای واژه‌ها، جمله‌ها و متون را مورد تحلیل قرار می‌دهد. (صفوی، ۱۳۷۷: ۲۱۲) در معناشناسی به روابط مفهومی، یعنی رابطه مفاهیم نسبت به یکدیگر در نظام زبان، چه در سطح واژگان و چه در سطح جملات پرداخته می‌شود. یکی از شاخه‌های مهم معناشناسی، «معناشناسی ساختاری» (Structural Semantics) است که به درک روابط و مناسبات معنایی درونی یک سیستم زبانی (متن) می‌پردازد. به‌طور کلی، ساختارگرایی به‌عنوان یک روش علمی، سابقه‌ای دیرینه دارد، اما علم معناشناسی ساختاری که به بررسی ارتباط یک عنصر معنایی با عناصر معنایی موجود در یک مجموعه از متن می‌پردازد، در قرن حاضر رواج یافته است.

پایه اصلی شکل‌گیری اندیشه ساخت‌گرایی، مفهوم‌گیری و ارزش یک نشانه زبانی (Semio Semantic) در سایه هم‌پیوندی با چارچوب روابط افقی و عمودی (همنشینی و جانشینی) است، به این صورت که بر رابطه میان لفظ و نشانه‌های زبانی با معنا یا رابطه لفظ، به‌عنوان دال، و معنا، مفهوم و مصداق به‌عنوان مدلول، تمرکز دارد و در پی آن است تا روشن کند الفاظ با معانی چه ارتباطی پیدا می‌کنند و چگونه می‌توان به مدلول‌های نشانه‌های زبانی راه یافت. (همو، ۱۳۸۷: ۲۷) محورهای همنشینی و جانشینی یک بافت ساختاری را می‌سازند که نشانه‌های آن در آن بافت معنا می‌یابند (افراشی، ۱۳۸۱: ۲۳)، رابطه همنشینی (Co-occurrence) میان الفاظی است که در زنجیره کلامی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند (بی‌یروش، ۱۳۷۸: ۳۰)، رابطه جانشینی (Substitution) رابطه‌ای از نوع انتخاب و جایگزینی میان هریک از الفاظ یک زنجیره کلامی با الفاظی است که می‌توانند جایگزین آن شوند. همچنین یکی از مؤلفه‌های مطرح در معناشناسی ساختاری، «روابط بینامتنی» (Inter Textuality) است که از ارتباط یک واژه با سایر واژه‌ها پدید می‌آید و در سطح جمله و متن قابل بررسی است. این روابط شامل روابط همنشینی، جانشینی و سیاق است. (حدادی، ۱۳۸۹: ۷۲)

۱-۲. روش «تحلیل محتوا»

روش «تحلیل محتوا» (Content Analysis)، که روشی علمی برای تفسیر «متن» (Text) است، از جمله روش‌های تحقیقی است که در حوزه علوم انسانی، به‌خصوص در



رابطه با زیررشته‌های علوم سیاسی، علوم اجتماعی و ارتباطات کاربرد داشته و به علت اینکه نتایج به دست آمده از طریق این روش، دارای اعتبار و روایی بالایی هستند، بسیار مورد توجه محققان و پژوهشگران عرصه‌های مختلف قرار گرفته است. هدف از روش «تحلیل محتوا»، فراهم آوردن شناخت، بینش نو و تصویری از واقعیت است که سعی می‌شود با تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی از طریق فرایند طبقه‌بندی نظام کدها و شناسایی مضامین و الگوها، به لایه‌های پنهانی متن، مراد واقعی و خطوط فکری مؤلف متن دست یابد. در این فرایند، اهداف، ارزش‌ها، فرهنگ و تمایلات متن شناسایی می‌شود تا زمینه برای فهم دقیق‌تر از متن فراهم آید. (باردن، ۱۳۷۴: ۱۳۳)

این روش از شش مرحله تشکیل شده است: در مرحله اول، پژوهشگر مسأله پژوهش، حدود و ارتباط آن با سایر مفاهیم را تشریح می‌کند. در مرحله دوم، سؤالات پژوهش بر اساس مسأله و اهداف آن تنظیم می‌شود؛ چراکه طرح سؤالات در تحلیل محتوا نشان‌دهنده ماهیت مسأله است. در مرحله سوم، پژوهشگر واژگان کلیدی و متغیرهای تحقیق را مشخص و تحلیل می‌نماید. در مرحله چهارم، نمونه‌های پژوهش با تکنیک‌های نمونه‌گیری هدفمند، نظری، در دسترس و یا گلوله‌برفی مشخص می‌شود. در مرحله پنجم، از میان کدها و مفاهیم استخراج شده، جهت‌گیری‌ها و مقوله‌های تحقیق شناسایی می‌شوند. در این مرحله تحلیل‌گر، کدها و مفاهیم را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد تا بر اساس ویژگی‌ها و ابعادشان، ذیل یک مقوله گرد هم آیند و پاسخ به سؤال اصلی هموارتر شود. در مرحله ششم، نتایج تحقیق، تفسیر شده و استنباط‌های نهایی محقق به مثابه الگو و مدل، ارائه می‌شود. (ر.ک: استراوس و کربین، ۱۳۹۴: ۱۳۵)

با کمک روش تحلیل محتوا می‌توان به تبیین کمی و تحلیل کیفی گزاره‌های قرآنی از طریق استخراج مضامین اصلی و فرعی مرتبط با متن، جهت‌گیری و یافتن مؤلفه‌های معنایی هر کدام از عبارات، اظهارنظر درباره گزاره‌های قرآنی یا دیدگاه گذشتگان پرداخت، از این رو با ترکیب این دو روش، می‌توان مدل مفهومی جامعی را از عبارات قرآنی به دست آورد.

از قابلیت‌های این روش در مطالعات قرآنی، امکان تفکیک آیات قرآنی، طبقه‌بندی موضوعات، دسته‌بندی مضامین استخراج‌شده و چینش مقوله‌های ساخته‌شده توسط محقق در کنار یکدیگر است که در نهایت این امکان را فراهم می‌آورد تا محقق بتواند بر

مبنای آنچه کشف و استخراج کرده، الگو و مدل تولیدشده خود را به تصویر بکشد. (جانی‌پور، ۱۳۹۰: ۸۶)

۲. معنانشناسی قضای تکوینی در قرآن کریم

در منابع اسلامی به جهت ارتباط نزدیک، واژه قضا و قدر غالباً در کنار یکدیگر بیان شده‌اند. «قضا» در اصل به معنای امر کردن به کاری (قولی یا فعلی) و فیصله‌دادن به آن است؛ چه آن امر از خدا باشد یا از بشر. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۲۰۸/۳)؛ ابن‌انباری معتقد است وقتی عرب می‌گوید: «قَضَى فُلَانٌ»، ارادهٔ مرگ و تمام کردن را دارند و «قضاء الشیء» یعنی محکم کردن، گذشتن و فارغ شدن از آن. فرد حاکم را از این جهت «قاضی» خوانده‌اند که چون حکم می‌کند، از آن فارغ می‌شود. (فخررازی، ۱۴۲۰: ۲۸۵/۱۲) از این رو در معنای قضا، نوعی یکسره کردن اعتباری وجود دارد. واژه «قدر» و «تقدیر» نیز با «قضا» رابطه نزدیکی دارد که به معنای اندازه و اندازه‌گیری و چیزی را با اندازه معینی ساختن، استعمال می‌شود.

فلاسفهٔ اسلامی قضای الهی را به گونه‌ای خاص تفسیر می‌کنند؛ بدین صورت که قدر را عبارت از «نسبت امکانی شیء با علل ناقصه»، و قضا را «نسبت ضروری معلول با علت تامه» دانسته‌اند. آنها اولاً قضای الهی را فعل الهی می‌دانند، ثانیاً آن را عبارت از نوعی وجود علمی اشیاء در مرتبه‌ای از مراتب وجود می‌دانند، ثالثاً آن را عام و شامل همه چیز می‌دانند (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۰۶۸/۶)، از این رو هرگاه معلولی با هر یک از اجزای علت تامه یا با همه آنها به استثنای جزء اخیر سنجیده شود، نسبت آن «امکان بالقیاس»، و هرگاه با کل علت تامه سنجیده شود، نسبت آن «ضرورت بالقیاس» خواهد بود، که از اولی به «قدر»، و از دومی به «قضا» تعبیر می‌شود که در این زمینه باید به مسأله ارتباط سلسله اسباب و مسببات با خدای متعالی نیز توجه نمود؛ زیرا اساساً قضا از صفات فعلیه الهی است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۵۰۶/۲) در نظر اشاعره، قضای خداوند، اراده ازلی است که از ازل به اشیاء بدان گونه که هستند، تعلق گرفته است. معتزله بر این باورند که قضا و قدر الهی افعال بندگان را دربر نمی‌گیرد، افعال بندگان به انگیزه آنها وابسته است؛ اگر همه افعال بندگان تحت قضا و قدر الهی باشد، لازم است خداوند از همه آنها خشنود باشد، حال آنکه بعضی از رفتارها کفر و الحاد است و خشنودی به کفر نیز کفر است. (قاضی عبدالجبار، ۱۴۱۶: ۱۷۷)



قضاو قدر نزد فلاسفه و متکلمان اقسامی دارد. قضا به اعتبار «مرتبه»، به قضای علمی و عینی تقسیم می‌شود که عبارت است از علم الهی که منشأ حتمیت و ضرورت اشیاست. قضای عینی نیز عبارت است از نفس ضرورت و حتمیت اشیا، از آن جهت که به واجب‌الوجود منتسب است. (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۰۶۹/۶) قضاو قدر به اعتبار نوع حکم نیز به قضاو قدر تکوینی و تشریحی تقسیم می‌شود، مراد از قضای تکوینی، قطعی شدن وجود یک شیء در نتیجه تعلق اراده و علم ذاتی و ازلی خدا به آن است. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۶۸: ۱۰۱) از آنجا که علت تامه موجودات جز با مشیت و اراده الهی حاصل نمی‌شود، وجوب و قطعیت موجودات، مستند به مشیت و اراده الهی است. قضاو قدر تکوینی، مقدار و اندازه مخصوص هر یک از موجودات در علم الهی بوده که ناشی از اسباب و علل آنهاست، اما قضاو قدر تشریحی آن است که حکم افعال بشر از نظر احکام تکلیفی و وضعی است که به مشیت و اراده الهی باز می‌گردد. (خمینی، ۱۴۰۰: ۱۸۶/۸) بنابراین قضای تکوینی عبارت است از وجود همه اشیا به نحو بسیط در عالم عقل؛ «القضاء عبارة عن وجود جميع الموجودات في العالم العقلي و مجتمعة و مجملة علی سبیل الابداع». (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۰۶۸/۶)

از نظر امام خمینی، قضاو قدر الهی به دو قسم حتمی و غیر حتمی تقسیم می‌شود که طبق آن، حقایقی که نزد خداوند در مرتبه قلم و لوح مجرد وجود دارند و تغییر و تبدیل در آنها راه ندارد، قضای حتمی، و حقایقی که در عالم مثال، عالم طبیعت و لوح قدر واقع می‌شود و اموری متغیر و متبدل‌اند، قضای غیر حتمی هستند. (خمینی، ۱۳۸۸: ۳۲۶) بنابراین شاخصه‌هایی چون قطعی و ضروری بودن را می‌توان از مفاهیم مرتبط با قضای تکوینی الهی بیان نمود.

۳. مفاهیم هم‌نشین قضای تکوینی در قرآن کریم

واژه قضا و مشتقات آن ۶۴ بار در ۵۹ آیه (۵۰ آیه مکی و ۱۴ آیه مدنی) در ۲۹ سوره به کار رفته است. این واژه ۴۴ بار درباره خداوند و ۱۶ بار درباره انسان‌ها (۷ مورد درباره پیامبران، ۷ مورد درباره انسان‌های عادی، ۳ مورد درباره فرعون، ۱ مورد درباره ملائکه) و ۱ مورد درباره مرگ، ۱ مورد درباره نماز و ۲ مورد درباره قرآن به کار رفته است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بیشترین بسامد این واژه در قرآن کریم در ارتباط با خداوند بوده و نزدیک به دو برابر آیاتی است که این واژه درباره انسان به کار رفته است.

تکنیک معناشناسی به‌کاررفته در این پژوهش نیز برگرفته از روش معناشناسی مکتب بُن بوده و تلاش شده تا با تلفیق ایده‌های نو و متناسب با فضای مورد بررسی، به ارتقای روش موردنظر در فهم بهتر و عمیق‌تر مفاهیم قرآنی نایل شویم. اولین گام در معناشناسی ساختاری، شناسایی واژگان «همنشین» است. در معناشناسی واژگان یک ساختمان تک‌لایه‌ای نیستند، بلکه تعدادی واژگان فرعی را شامل می‌شود که در عرض یکدیگر قرار گرفته و مرزهای متداخل با یکدیگر دارند (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۱۱) که با کنار هم قراردادن کلمات مرتبط و هم‌نشین، می‌توان معنای محسوس و ملموس را از مجموع ارتباط آنها به دست آورد.

در جدول زیر به‌عنوان نمونه، تنها بخشی از آیات قضای تکوینی مورد بررسی قرار گرفته و واژگان هم‌نشین آنها استخراج شده است:

جدول ۱: واژگان هم‌نشین «قضای تکوینی» در قرآن کریم

ردیف	آیه	آدرس	واژگان جدید
۱	مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ	مریم: ۳۵	امر- قول- کون
۲	قَالَتْ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكِ قَالَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ	آل عمران: ۴۷	کون- قول- امر- مشیت- خلق
۳	هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ	غافر: ۶۸	کون- قول
۴	بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ	بقره: ۱۱۷	کون- قول
۵	قَالَ كَذَلِكِ قَالَ رَبِّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّبٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا	مریم: ۲۱	کون- امر
۶	إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدَّنِيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَىٰ وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِاجْتِمَاعِكُمْ فِي الْمِيعَادِ وَلَكِن لِّيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَن بَيْنَةٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ	انفال: ۴۲	کون- امر
۷	وَإِذْ يَرْيَكُمُوهُمْ إِذِ التَّفْتِيهِمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيَقْلَقُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ	انفال: ۴۴	کون- امر

طبق جداول اصلی تحقیق، واژگان متعددی در قرآن کریم به صورت هم‌زمان با «قضای تکوینی» هم‌نشین شده‌اند که بیشترین بسامد آنها در آیه ۴۷ سوره آل عمران است که به ماجرای تولد حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ به صورت معجزه و امری الهی اشاره دارد. در مجموع باید گفت که در قرآن کریم، واژگان «کون، قول، امر، مشیت و خلق» از جمله مهم‌ترین واژگانی هستند که با قضای تکوینی هم‌نشین شده‌اند.



نمودار ۱. واژگان همنشین «قضا» در قرآن کریم

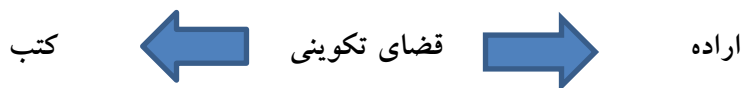
۴. واژگان جانشین قضای تکوینی در قرآن کریم

گام دوم در روش معناشناسی ساختاری، شناسایی واژگان «جانشین» است. مبنای انتخاب این واژگان بر اساس واژگان اصلی همنشین با واژه محوری است، از این رو نمی‌توان واژگان جانشین را در ابتدا بدون پیمودن گام‌های مذکور انتخاب کرد؛ چراکه این واژگان قطعاً از سوی خداوند متعال انتخاب شده‌اند و وظیفه ما، کشف صحیح آنهاست و نه انتخاب آنها بر اساس مترادف معنایی یا هر مقوله‌ای دیگر، از این جهت در ادامه مراحل پژوهش و در امتداد جدول شماره ۱، ستونی جهت استخراج واژگان جانشین نیز درج شده بود که در اینجا تنها بخشی از آن به‌عنوان نمونه و آشنایی مخاطبان با جداول تحلیل واژگان قرآنی درج می‌شود.

جدول ۲: واژگان جانشین «قضای تکوینی» در قرآن کریم

ردیف	آیه	آدرس	واژه جدید
۱	أَمَّا قَوْلَنَا لِسَيِّءٍ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ	نحل: ۴۰	اراده
۲	إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ	یس: ۸۲	اراده
۳	وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا	اسراء: ۱۶	اراده
۴	قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ	آل عمران: ۱۵۴	کتب

طبق جدول بالا، واژگان «اراده و کتب» از مهم‌ترین کلماتی هستند که با قضای تکوینی رابطه جانشینی دارند. به‌عبارت‌دیگر، این واژگان، همنشین واژه‌های اراده، قول، کون، خلق و مشیت هستند که جانشین مفهوم قضای تکوینی قرار گرفته‌اند. در زیر نمودار تصویری واژگان جانشین قضای تکوینی بیان شده‌اند.



نمودار ۲. واژگان جانشین مفهوم «قضای تکوینی» در قرآن کریم

۵. تحلیل محتوای کیفی «قضای تکوینی» در قرآن کریم

در این قسمت پس از شناسایی شبکه معنایی قضای تکوینی که متشکل از واژگان همنشین و جانشین آن در قرآن کریم است، با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، تمامی آیات مرتبط با این شبکه معنایی احصاء و در جداول مربوطه درج گردیده، سپس مضامین کلی آنها با مراجعه به تفاسیر المیزان، نمونه و نور استخراج شده است. در نهایت و پس از مطالعه مکرر آیات و تأمل در مضامین استخراج‌شده، مضامین مشترک طبقه‌بندی و از مجموع آنها، مقوله‌هایی ساخته شده است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

این موارد مؤلفه‌های بنیادین مفهوم قضای تکوینی از منظر قرآن کریم بوده که لازم است در نظریه‌سازی این مفهوم توسط متکلمان مسلمان و پاسخ به شبهات مربوط به جبر و اختیار در قرآن کریم مورد ملاحظه و توجه قرار گیرد. (برای آشنایی با فرایند چگونگی اجرای روش تحلیل محتوا در خصوص آیات و احادیث رک: عترت دوست،

(۱۴۰۱: ۴۵-۸۴)

جدول ۳- شبکه معنایی آیات ناظر به مفهوم قضای تکوینی

آیه	موضوع اصلی	موضوع فرعی	کد شناسه	جهت‌گیری
<p>وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا (اسراء: ۱۶)</p>	<p>امکان تحقق قضای تکوینی با اسباب و مسببات مادی (فساد مترفین)</p>	<p>مترفین یکی از اسباب الهی برای اراده خدا هستند</p>	A1	توحید (قدرت خدا)
		<p>محقق شدن قول الهی بر مترفین</p>	A2	بر هلاکت اقوام مشرک
		<p>هلاکت سخت مترفین</p>	A3	در دنیا)
<p>إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (یس: ۸۲)</p>	<p>امر الهی به‌محض اراده محقق می‌شود.</p>	<p>تنها خداوند آرامش‌بخش دل‌های مؤمن است.</p>	A4	توحید
<p>تَمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَةً نَاعَسًا يُغْشَى طَائِفَةً</p>	<p>تتم آنزل علیکم من بعد الغم امنه ناعسا یغشی طائفة</p>	<p>تتم آنزل علیکم من بعد الغم امنه ناعسا یغشی طائفة</p>	A5	توحید



کد شناسه	موضوع فرعی	موضوع اصلی	آیه	جهت گیری
A6	گروهی که به فاعلیت خدا ظن به ناحق می کنند، به آرامش نمی رسند و به وعده های الهی بدگمان هستند که از اخلاق دوران جاهلیت است - خودمحور هستند	تأکید بر امر الهی در امر مرگ و زندگی	<p>مِنْكُمْ وَ طَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانِ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيَمَحَّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (آل عمران: ۱۵۴)</p>	(بحث مالکیت خدا بر امور انسان (مرگ و زندگی)
A7	تردیدکنندگان در شرایط سخت در میان مؤمنان در امر الهی، تردید و شک ایجاد می کنند.			
A8	همه امور برای خداست			
A9	تردیدکنندگان آنچه در دل هایشان است، مخفی می کنند			
A10	تردیدکنندگان در امر الهی انتظار دارند در صورت سستی و اختلاف و نافرمانی، نباید شکست بخورند (ضعف تلاش خود را به خدا نسبت می دهند).			
A11	اگر قضای الهی بر مرگ باشد، سراغ انسان خواهد آمد.			
A12	حوادث تلخ و شکست یکی از راه های امتحان و شناسایی روحیه ها و افکار و ایمان افراد است (کمک خدا به مؤمنان در فهم فاعلیت خود)			
A13	خداوند به روحیه، افکار و ایمان افراد آگاه است.			
A14	انتخاب محل مسلمانان و مشرکان بر طبق قرار قبلی نبود؛ زیرا اگر بر طبق قرار قبلی بود،	قضای الهی بر پیروزی مسلمانان بر	<p>إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَى وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ</p>	بیان قدرت و نصرت خدا بر اهل ایمان

آیه	موضوع اصلی	موضوع فرعی	کد شناسه	جهت گیری
لَاخْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعَادِ وَ لَكِن لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْتِهِ وَ يَحْيَى مَنْ حَيَّ عَن بَيْتِهِ وَ إِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ (انفال: ۴۲)	مشرکان در شرایط سخت جنگ بدر	بینشان اختلاف می شد (قضای الهی در انتخاب محل جنگ)	A15	در شرایط سخت
		دفعی بودن قضای الهی	A16	
		تعلیل برای قضای تکوینی (هلاکت مشرکان با دلیل و پیروزی مسلمانان با دلیل) هدایت و ضلالت با دلیل است.	A17	
بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (بقره: ۱۱۷)	قضای تکوینی در خلقت آسمانها و زمین	ابتکاری بودن خلقت خدا در آفرینش آسمان زمین	A18	توحید (قدرت خدا در خلقت مخلوقات نو)
		دفعی بودن قضای الهی	A19	
إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (آل عمران: ۵۹)	قضای تکوینی خداوند درباره خلقت غیرمعمول بشر	شبیه دانستن خلقت حضرت عیسی و حضرت آدم	A20	توحید (قدرت خدا در مخلوقات جدید)
		دفعی بودن خلقت حضرت عیسی	A21	
قَالَتْ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَ لَمْ يَمَسُّنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (آل عمران: ۴۷)	قضای تکوینی خداوند درباره خلقت غیرمعمول بشر	ردکردن جریان طبیعی تولد حضرت عیسی توسط حضرت مریم (بدیع بودن خلقت حضرت عیسی)	A22	توحید (قدرت خدا در امور خارق العاده)
		تأثیر مشیت الهی در خلقت	A23	
		دفعی بودن قضای الهی	A24	
إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (نحل: ۴۰)	توصیف شیوه ایجاد و قضای الهی مخلوقات	تقدیم اراده خدا بر قولش	A25	توحید (مالک مخلوقات) - پدیدآورنده به حق روز قیامت
		تردیدکنندگان در امر الهی رفاه طلب هستند و انتظار دارند در صورت سستی و اختلاف و نافرمانی نباید شکست بخورند	A26	

آیه	موضوع اصلی	موضوع فرعی	کد شناسه	جهت گیری
		(ضعف ایمان خود را به خدا نسبت می دهند).		
		دفعی بودن قول الهی	A27	
۹	فضای تکوینی خدا در خلقت خارق العاده حضرت عیسی	نفی فرزند داشتن خدا از زبان حضرت عیسی	A28	توحید و نیازنداشتن به چیزی
		دفعی بودن قضای الهی	A29	
۱۰	فضای تکوینی خدا بر خلقت حضرت عیسی	آسان بودن خلقت عیسی بر خدا	A30	توحید و قدرت خدا در خلقت
		آیه و رحمت بودن حضرت عیسی	A31	
		دفعی و حتمی بودن قضای الهی	A32	
۱۱	فضای تکوینی درباره ورود همه در جهنم	وارد شدن همه انسان‌ها در جهنم	A33	معاد (ورود همه انسان‌ها در جهنم)
		دفعی بودن قضای الهی	A34	
۱۲	فضای الهی بر کم نشان دادن تعداد سپاهیان مسلمان و کافر بر همدیگر	قضای الهی بر کم نشان دادن سپاهیان مسلمان و کافر بر همدیگر	A35	بیان قدرت و نصرت الهی بر اهل ایمان در شرایط سخت
		دفعی بودن قضای الهی	A36	
		برگشتن تمام امور به خدا	A37	
۱۳	فضای تکوینی خدا در زنده کردن و میراندن مخلوقات	قدرت خدا بر زنده کردن و میراندن مخلوقات	A38	توحید و قدرت خدا در زنده کردن و میراندن
		دفعی بودن قضای الهی	A39	
۱۴	حق بودن فضای تکوینی خدا در خلقت آسمان و زمین	توصیف قضای الهی در خلقت آسمان و زمین و وقوع روز قیامت	A40	توحید (خلقت به حق) - مالک روز قیامت
		دفعی بودن قضای الهی	A41	
		قول خدا حق است - حق بودن خلقت روز قیامت	A42	
		خدا مالک روز جزاست	A43	

آیه	موضوع اصلی	موضوع فرعی	کد شناسه	جهت‌گیری
		عالم پنهان و آشکار و حکیم و خبیر بودن خدا	A44	

در تحلیل جدول تحلیل محتوای آیات قضای تکوینی الهی باید گفت که از منظر قرآن کریم، قضای تکوینی به قدرت مطلق خداوند در آفرینش دلالت می‌کند که حتماً لازم است در تبیین موضع قرآن در این زمینه، مؤلفه‌های زیر را مورد توجه قرار داد.

۱-۵. توجه به مفهوم قدرت و مالکیت خداوند در جهت‌گیری آیات قضای تکوینی

بررسی جهت‌گیری آیات قضای تکوینی نشان می‌دهد از ۱۴ آیه مورد بحث در رابطه با قضای الهی، ۸ آیه (۱۱۷ بقره، ۴۷ و ۵۹ آل‌عمران، ۸۲ یس، ۲۱ و ۳۵ مریم، ۴۲ و ۴۴ انفال) به «قدرت خدا» درباره خلقت آسمان‌ها، خلقت حضرت عیسی و آدم، خلقت روز قیامت و پیروزی در جنگ بدر اشاره دارد. در ۶ آیه (۷۳ انعام، ۴۰ نحل، ۶۸ غافر، ۱۶ اسراء، ۷۱ مریم، ۱۵۴ آل‌عمران) نیز به مالکیت خدا برای روز قیامت از نفع صور تا وارد کردن تمام نسل بشر در جهنم، مرگ و زندگی اشاره می‌نماید.

اگرچه سراسر قرآن کریم به قدرت و مالکیت الهی اشاره می‌کند، ولی اینکه موضوعات مذکور در بحث قضای تکوینی مطرح می‌شود، به این دلیل است که انسان نمی‌تواند با تمام دستاوردهای علمی در برابر این امور تماشاگر بوده و خالق حقیقی خداوند است. به همین دلیل در قرآن کریم هشت مرتبه جمله «كُنْ فَيَكُونُ» آمده که رمز قدرت مطلقه الهی است. که مراد از قول الهی در این آیات، اراده تکوینی خداوند بر وجود امری است، نه آنکه نیاز به سخن گفتن باشد: «فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ». (قرآنی، ۱۳۸۸: ۲۸۸/۸)

طبق آیه «وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَا تَدْمِيرًا» (اسراء: ۱۶)، اراده قهر خدای حکیم، بر اساس زمینه‌های گناه و خصلت‌های منفی ماست، و اگر نه خداوند مهربان، بی‌جهت اراده هلاک قومی را نمی‌کند و به فرموده حضرت رضاعلیؑ، اراده الهی در این آیه، مشروط به فسق ماست. (کلینی، ۱۴۱۲: ۳۲/۱)



۵-۲. محوریت حیات و ممات در مضامین اصلی قضای تکوینی

بررسی مضامین اصلی قضای تکوینی الهی بیانگر این مطلب هستند که موضوع این مضامین در ارتباط با حیات و ممات مخلوقات جهان بوده و هر یک از مضامین اصلی به این دو مورد برمی گردند که گاه به صورت مستقیم به آن اشاره شده است؛ «وَالَّذِي يُحْيِي وَ يُمِيتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (غافر: ۶۸)، و گاه به صورت غیرمستقیم یا تلویحی؛ از خلقت آسمانها و زمین که بیانگر حیات آن دو است گرفته، تا خلقت حضرت عیسی علیه السلام، زنده شدن همه انسانها در روز قیامت و ورود همه انسانها به جهنم و پیروزی (حیات) مؤمنان در جنگ بدر.

۵-۳. وجود یا عدم وجود اسباب و مسببات در بحث قضای تکوینی

تحلیل آیات قضای تکوینی بیانگر این مطلب است که گاه قضای تکوینی با اسباب و مسببات، و گاه بدون وجود اسباب انجام می گیرد. در ۴ آیه (۱۱۷ بقره، ۴۷ و ۵۹ آل عمران، ۳۵ مریم) بحث قضای تکوینی خداوند با مسأله خلقت حضرت عیسی و نیازداشتن خدا به اسباب و مسببات در امر خلقت همراه است. طبق آیه «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (آل عمران: ۵۹)، خلقت موجودات از نظر ایجادشدن، یک نسبت با امور طبیعی جهان دارند که به اسباب و مسببات نیاز دارند. همچنین نسبتی دیگر با خداوند دارند که نیاز به اسباب و مسببات ندارد، از این رو خداوند قادر است در برخی موارد بدون در نظر گرفتن اسباب طبیعی، موجودی را خلق کند که در آیه «وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ» (قمر: ۵۰) به آن اشاره شده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳/۳۳۴)

آیه «قَالَتْ رَبِّ أَتَىٰ بِكَ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكِ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (آل عمران: ۴۷) بیانگر این مطلب است که نظام طبیعت مخلوق خدا و محکوم فرمان اوست؛ هرگاه بخواهد، می تواند این نظام را دگرگون سازد و به وسیله اسباب و عوامل غیرعادی، موجوداتی را بیافریند. (همان، ۵۵۱/۲) چنانکه در آیه «وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا» (اسراء: ۱۶)، وقوع قضای تکوینی با اسباب دنیوی بیان شده، خداوند پیش از اتمام حجت و بیان دستوراتش، کسی را مؤاخذه و مجازات نمی کند، بلکه ابتدا فرمانهایش را به مردم می فرستد، اگر مردم اطاعت کردند، سعادت دنیا و آخرتشان در آن است، ولی اگر با فرمانهای الهی مخالفت کردند، شقاوت نصیب آنها خواهد شد.

۴-۵. جدلی بودن بافت آیات قضای تکوینی در ارتباط با کفار و منافقان

«بافت» موقعیت عینی است که در آن گفتمان بیان می‌شود و توسط آن می‌توان زمان، مکان، روابط و ماهیت افراد را تبیین نمود. بررسی آیات مربوط به قضای تکوینی نشان می‌دهد که این آیات غالباً در فضای جدلی درباره افرادی بیان شده که مالکیت و قدرت الهی را انکار کرده یا نسبت به آن تردید دارند. مخاطبان این آیات اعم از کافران امت‌های پیشین، مسیحیان معتقد به الوهیت حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام، کافران زمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، و حتی منافقان در مدینه هستند. عام‌بودن مخاطبان این آیات می‌تواند بیانگر این مطلب باشد که مخاطبان قضای تکوینی محدودیت زمانی و مکانی نداشته و بر همه انسان‌هایی که درباره مالکیت حقیقی خداوند نفی یا تردید کنند، شامل می‌شود.

۵-۵. عدم ارتباط آیات قضای تکوینی با مسأله جبر

طبق دیدگاه تاریخ‌پژوهان، جبریه با استناد به آیات و روایات مرتبط با قضاو قدر، توحید در خالقیت، قدرت مطلق خدا و عمومیت اراده و علم پیشین او، دیدگاه خود را توجیه کرده‌اند. برای نمونه، خلیفه دوم برای توجیه فرار خود در جنگ احد، آن را قضاو قدر الهی دانست! (واقدی، ۱۹۸۹: ۳/۹۰۴)

بررسی بافت آیات قضای تکوینی بیانگر این مطلب است که هیچ ارتباطی با مسأله جبر (هدایت و ضلالت تکوینی) ندارد؛ زیرا محتوای این آیات، قدرت، مالکیت و علم مطلق الهی را در مرحله «ایجاد مخلوقات» توصیف می‌کنند، در صورتی که طبق آیه ۵۰ سوره طه (رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى)، پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بوده، داده، سپس هدایت کرده است. در این آیه ابتدا به «ایجاد» مخلوقات (أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ)، سپس به هدایت تکوینی (ثُمَّ هَدَى) اشاره شده است.

طبق آیات قرآن، انسان سرنوشت خاصی که از پیش تعیین شده باشد، ندارد و تحت تأثیر «جبر تاریخ» و «جبر زمان» و «محیط» نیست، بلکه عامل سازنده تاریخ و زندگی انسان، دگرگونی‌هایی است که در روش و اخلاق و فکر و روح او به اراده خودش پیدا می‌شود. بنابراین آنها که معتقد به قضاو قدر جبری هستند و می‌گویند همه حوادث به‌خواست اجباری پروردگار است، با آیه قرآن محکوم می‌شوند و همچنین جبر مادی که



انسان را بازیچه دست غرایز تغییرناپذیر و اصل وراثت می‌داند، و یا جبر محیط که او را محکوم چگونگی اوضاع اقتصادی و شرایط تولید می‌داند، از نظر مکتب اسلام و قرآن، بی‌ارزش و نادرست است. انسان آزاد است و سرنوشت خود را به دست خویش می‌سازد. انسان زمام سرنوشت خود را در دست دارد و اوست که خود را گرفتار شکست و ذلت می‌سازد؛ درد او از خود اوست و دوی او به دست خودش؛ تا در وضع او دگرگونی پیدا نشود و با خودسازی خویشتن را عوض نکند، تغییری در سرنوشتش پیدا نخواهد شد. (پیستونی، ۱۳۸۶: ۸۰)

گواه بر این سخن، حدیثی است که از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده که هنگام مراجعت از صفین، پیرمردی از قضاو قدر پرسید و حضرت در پاسخ فرمود: «آنچه انجام دادیم، همه قضاو قدر الهی بوده است». پیرمرد چنین پنداشت که منظور همان مسأله جبر است، اما حضرت با شدت تمام، او را از این پندار باطل بازداشت و ضمن سخنان مفصلی به او فرمود: «تِلْكَ مَقَالَةٌ إِخْوَانِ عَبْدَةِ الْأَوْثَانِ وَ حُصَمَاءِ الرَّحْمَانِ وَ حِزْبِ الشَّيْطَانِ» (نهج البلاغه، حکمت ۷۹)؛ این گفتار بت پرستان و دشمنان خدا و حزب شیطان است.

۵-۶. مؤلفه‌های مفهومی قضای تکوینی در قرآن کریم

از خصوصیات مفهومی قضای تکوینی که می‌توان از لابه‌لای عبارات قرآنی به دست آورد، می‌بایست به مواردی همچون مداومت، دفعی بودن، سهولت، سرعت نفوذ و بدیع بودن قضای تکوینی الهی اشاره نمود. طبق سیاق آیه «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (بقره: ۱۱۷)، خلقت حضرت عیسی علیه السلام همچون آسمان و زمین بوده که بدون الگوی قبلی خلق شده‌اند. طبق روایت امام باقر علیه السلام، خداوند همه اشیاء را بدون الگوی قبلی آفرید، آسمان‌ها و زمین را خلق کرد بدون اینکه از آسمان و زمین پیش از آن الگو گرفته باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱/۳۹۵)

کثرت بسامد واژه قضا در هیأت فعل ماضی و مضارع، این مفهوم را در زمره سنت الهی قرار می‌دهد؛ زیرا از مهم‌ترین مؤلفه‌های سنن الهی، ثبوت، قطعیت، عمومیت و استمرار آنهاست. واژه «امر» از پرواژگان همنشین پربسامد در ارتباط با قضای تکوینی محسوب می‌شود که قرار گرفتن آن با عبارت «كُنْ فَيَكُونُ»، دلالت بر وجوبی بودن قضای الهی می‌کند که همنشینی این واژه با مفهوم امر در قالب رابطه مکملی (نحوی- معنایی)،

شدت و سرعت قضای تکوینی را افاده می‌دهد؛ گویا معنای قضا در امر تحلیل می‌شود و آنچه نمود پیدا می‌کند، همان امر تکوینی الهی است.

همنشینی دو ماده «قول» و «کان» در کنار قضای الهی، به‌عنوان مثال در آیه «إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (آل عمران: ۴۷)، بیانگر محقق‌الوقوع بودن و سرعت نفوذ قدرت الهی و نیز سهولت در تکوین است؛ زیرا چیزی آسان‌تر از گفتن (بشو) و (شدن) وجود ندارد. به‌عبارت دیگر، به‌کار بردن جمله «کن» در حقیقت بیان اراده قطعی خداست، و گر نه نیازی به سخن نیست؛ یعنی به‌مجرد اینکه اراده او بر چیزی تعلق گرفت و فرمان آفرینش صادر شد، فوراً لباس هستی بر آن پوشانده می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۵۵۲/۲)

نتیجه‌گیری

ترکیب روش معناشناسی با تحلیل محتوا، یکی از روش‌های نوین در استخراج علوم قرآن‌بنیان محسوب می‌شود که به‌صورت هم‌زمان و توأم، از دو روش «معناشناسی ساختاری» و «تحلیل محتوای کیفی» برای کشف موضع قرآن برای پاسخ به شبهات یا موضوعات جدید قرآنی می‌توان استفاده کرد. در این مقاله تلاش شد موضوع «قضای تکوینی الهی» به‌عنوان یکی از موارد مناقشه در حوزه علوم انسانی و اسلامی، با استفاده از این دو روش تحقیق میان‌رشته‌ای در قرآن کریم شناسایی شده و تا حدودی پیرامون آن صحبت شود. نویسندگان این مقاله به‌هیچ‌عنوان مدعی استخراج الگوی تام این نظریه در قرآن کریم نمی‌باشند، بلکه صرفاً به‌دنبال تبیین کارآمدی روشی برای شناسایی مفهوم و موضع قرآن در این زمینه بوده و تلاش کرده‌اند تا مفیدبودن و چگونگی عملکرد این روش‌ها را به تصویر بکشند. در نهایت، نتایج حاصل از تحقیق بیانگر آن است که:

الف) معناشناسی ساختاری قضای تکوینی در قرآن کریم نشان می‌دهد که این واژه با واژگانی چون «امر، گون، قول، مشیت و خلق»، هم‌نشین بوده، لازم است حتماً آیات متضمن این واژگان نیز ملاحظه شوند. از مهم‌ترین واژگان جانشین قضای تکوینی نیز در قرآن می‌توان به «اراده و کتب» اشاره نمود که در ساختارهای مشابه با این واژه قرار گرفته‌اند.



ب) در مرحله دوم این پژوهش، تمامی آیات مستخرج به‌عنوان همنشین و جانشین مفهوم قضای تکوینی خداوند در جداول تحلیل محتوا، مورد تحلیل کیفی قرار گرفته و مضامینی از آنها استخراج گردید که در نهایت پس از دسته‌بندی، می‌توان به شش مقوله کلی در ارتباط با مفهوم قضای تکوینی خداوند از منظر قرآن کریم اشاره کرد که عبارت‌اند از:

- ۱- توجه به مفهوم قدرت و مالکیت خداوند در جهت‌گیری آیات قضای تکوینی؛
- ۲- محوریت حیات و ممات در مفهوم مضامین اصلی آیات قضای تکوینی؛
- ۳- وجود یا عدم وجود اسباب و مسببات در بحث قضای تکوینی؛
- ۴- جدلی بودن بافت آیات قضای تکوینی در ارتباط با کفار و منافقان؛
- ۵- عدم ارتباط آیات قضای تکوینی با مسأله جبر؛
- ۶- تبیین مؤلفه‌های مفهومی قضای تکوینی.

تأمل در تحلیل محتوای آیات قضای تکوینی نشان داد که بافت و سیاق جدلی این آیات برای اصلاح دیدگاه کافران درباره فاعلیت خداوند نازل شده‌اند و با مالکیت، قدرت خدا در امر خلقت، نفی الوهیت حضرت عیسی علیه السلام، چگونگی خلقت آسمان‌ها، مالکیت بر روز قیامت و امر معاد مرتبط هستند. از این‌رو دیدگاه جبرگرایان برای تعمیم مفهوم مالکیت مطلق الهی بر افعال انسانی، خارج از بافت موقعیتی و تفسیر ساختاری آیات قضای تکوینی الهی بوده و هرگونه توجیه جبرگرایانه برای افعال انسانی و سرنوشت از پیش تعیین‌شده، برخلاف مفهوم واقعی این آیات در قرآن است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. استراوس، انسلم؛ کرین، جولیت (۱۳۹۴)، مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
۳. افراشی، آزیتا (۱۳۸۱)، اندیشه‌هایی در معنی‌شناسی، تهران: فرهنگ کاوش.
۴. ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۶۱)، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۵. باردن، لورنس (۱۳۷۴)، تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دزی سرخابی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۶. بی‌یرویش، مانفرد (۱۳۷۸)، زبان‌شناسی جدید، ترجمه محمدرضا باطنی، تهران: انتشارات آگاه.
۷. بیستونی، محمد (۱۳۸۶)، قضاوقدر از دیدگاه قرآن و روایات، قم: بیان جوان.
۸. جانی‌پور، محمد (۱۳۹۵)، «کارکردهای کیفی استفاده از روش تحلیل محتوا در فهم احادیث»، دوفصلنامه رهیافتهای قرآن و حدیث، سال هشتم، شماره ۲۴، ص ۲۹-۵۲.
۹. جمعی از نویسندگان (۱۳۶۱)، علوم انسانی، اسلام و انقلاب فرهنگی، تهران: جهاد دانشگاهی.
۱۰. حسینی شاهرودی، سیدمرتضی؛ نقی‌زاده، حسن؛ وطن‌دوست، محمدعلی (۱۳۹۴)، «بررسی تحلیلی نظر علامه طباطبایی درباره قضا و قدر با رویکرد تفسیری - روایی - فلسفی»، آموزه‌های فلسفه اسلامی، شماره ۱۶، ص ۳-۲۶.
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۸/۷/۲۸)، بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن پژوه.
۱۲. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۸)، آداب الصلاة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۳. خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۰۰)، دانشنامه امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد (۱۳۷۴)، المفردات فی ألفاظ القرآن، ترجمه مصطفی رحیمی‌نیا، تهران: مرتضوی.
۱۵. رجایی، حمید (۱۳۸۹)، آفرینندگی تفکر جانبی و باور دینی (درآمدی به تولید علوم انسانی اسلامی)، اصفهان: انتشارات شهر من.
۱۶. رضایی اصفهانی، محمد (۱۳۹۸)، منطق تفسیر قرآن؛ قرآن و علوم طبیعی و انسانی، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۱۷. صفوی، کورش (۱۳۷۷)، زبان‌شناسی و ادبیات، تهران: نشر هرمس.
۱۸. صفوی، کورش (۱۳۸۷)، درآمدی بر معناشناسی، تهران: سوره مهر.
۱۹. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۰. عترت‌دوست، محمد (۱۳۹۷)، «تحلیل محتوای کیفی شبکه معنایی قدرت؛ تلاشی برای فهم الگوی قدرت نرم در قرآن کریم»، مطالعات قرآن و حدیث، سال ۱۲، شماره ۲۳، ص ۷۹-۱۱۰.



۲۱. عترت دوست، محمد (۱۳۹۹)، «مهم‌ترین مؤلفه‌های بنیادین ایجاد سلامتی در روابط انسانی از منظر قرآن کریم»، مطالعات اسلامی در حوزه سلامت، سال ۴، شماره ۱۴، ص ۱-۱۲.
۲۲. عترت دوست، محمد (۱۴۰۱)، آشنایی با روش تحلیل محتوای نصوص دینی، تهران: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
۲۳. علوی، فخرالسادات؛ شاقول، یوسف (۱۳۹۳)، «سازگاری جبر و اختیار نزد سازگارگرایان جدید و ملاصدرا»، الهیات تطبیقی، سال ۵، شماره ۸، ص ۵۷-۷۲.
۲۴. فخر رازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتیح‌الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۵. قاضی عبدالجبار، عبدالحمید (۱۴۱۶ق)، شرح الاصول الخمسة، قاهره: مکتبه وهبه.
۲۶. قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۷. مصباح یزدی، محمد تقی، سخنرانی‌ها، www.mesbahyazdi.ir.
۲۸. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸)، رابطه ایدئولوژی و فرهنگ اسلامی با علوم انسانی، حوزه و دانشگاه، مجموعه مقالات، مصاحبه‌های برگزیده، کتاب اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران: انتشارات صدرا.
۳۰. معروفی، یحیی؛ یوسف‌زاده، محمدرضا (۱۳۸۸)، تحلیل معنا در علوم انسانی، همدان: سپهر دانش.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۳۲. نوروزی، ابوذر (۱۳۹۵)، «رابطه تقدیر و قضای الهی با افعال انسان در مدرسه کلامی قم»، فصلنامه سفینه، سال ۱۳، شماره ۵۱، ص ۱۶۴-۱۸۹.
۳۳. واقلی، محمدبن عمر (۱۹۸۹)، مغازی، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.